

# مصدق

۱۳۲۲-۱۳۳۲

گفت‌وگوی محمد صادقی با فریدون مجلسی

نشر پایان

چاپ یکم: ۱۳۹۹

## فهرست

۵	پیش‌گفتار
۷	مجلس چهاردهم
۳۹	اصلاح فرهنگ
۶۳	از ترور شاه تا تشکیل مجلس شانزدهم
۱۱۱	ترور رزم‌آرا و نخست‌وزیری مصدق
۱۴۷	۲۳ تیر ۱۳۳۰
۱۸۳	قیام ۳۰ تیر
۲۱۳	از ۹ اسفند تا قتل افشارطوس
۲۴۵	۲۵ و ۲۸ مرداد

## مجلس چهاردهم

- ارسال خلعتبری، در خاطرات خود می‌نویسد: «من به مصدق السلطنه دسترسی نداشتم ولی جبران محرومیت از دیدار او را خواندن نطق‌های او در مجلس پنجم و ششم می‌کردم. ندیده و نشناخته فدائی و مجذوب او شده بودم.»<sup>۱</sup> خلعتبری می‌گوید که برای انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی که نخستین انتخابات مجلس در زمان محمدرضاشاه بود، نام دکتر محمد مصدق هم به میان آمده بود. او می‌نویسد: «من پیش از هر کسی در معرفی کردن دکتر مصدق دخالت داشتم. در تمام روزنامه‌های آن زمان مقالات سیاسی و اجتماعی می‌نوشتیم... تا مدتی در اطراف انتخاب کردن دکتر مصدق مقالات نوشتم و در محافل و مجامع تبلیغات فراوان نمودم تا حدی که دکتر مصدق شیفته این دوست نشناخته شد و من بسیار مشتاق ملاقات او بودم... در تجربش اولین بار دکتر مصدق را ملاقات کردم... صحبت‌های دکتر مصدق بسیار در من اثر خوب داشت. همان ایام انتخابات دوره چهاردهم تهران می‌بایستی شروع شود. من به دکتر مصدق گفتم شهرت می‌دهند که شما از سیاست به کنار رفته‌اید و مایل به شرکت در انتخابات نیستید و اگر به نمایندگی انتخاب شوید قبول نخواهید کرد. دکتر مصدق در جواب گفت که اگر انتخاب شود نمایندگی را قبول خواهد کرد. من فردای آن روز در چهار روزنامه تهران این موضوع را به اطلاع مردم رساندم و

۱. خلعتبری، ارسال، خاطرات ارسال خلعتبری از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به

کاندید بودن دکتر مصدق را از طرف عده زیادی از مردم اعلام کردم.<sup>۱</sup> با راهیابی مصدق به مجلس چهاردهم فصلی جدید در زندگی سیاسی او آغاز می‌شود. اما می‌خواستم در آغاز و قبل از این که به گفت‌وگو درباره کارنامه مصدق در مجلس چهاردهم بپردازیم، کمی درباره پیشینه سیاسی او صحبت کنید.

به دکتر مصدق از چند زاویه نگاه می‌شود: از زاویه دید ناسیونالیست‌ها و علاقه‌مندانی که دیدگاه‌شان گاه رنگ شیفتگی و مرید و مرادی و گاه رنگ موروثی دارد. از دیدگاه بازماندگان حزب توده که تا قبل از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با او در ستیز بودند و پس از آن، به دلیل قطع امید مصدق از ادامه حمایت آمریکا، برای مبارزه او رنگ ضد امپریالیستی و ضد استعماری قائل شدند، و او را به عنوان مبارزی ضد غرب می‌ستایند. و از دیدگاه طرفداران شاه و نظامیان و همچنین بخشی از بازاریان و جناحی از مذهب‌یون سیاسی شامل طرفداران آیت‌الله کاشانی و جدادشدگان از جبهه ملی و پیروان فدائیان اسلام، که چون از سلطه کمونیسم نگران بودند با او از در مخالفت درآمدند. روایت‌ها درباره پیشینه سیاسی مصدق با توجه به هر یک از این دیدگاه‌ها و با توجه به این که متعلق به حامیان و شیفتگان یا منتقدان یا خصومت‌ورزان باشد، متفاوت است. درست است که زندگی مصدق زیر و بم‌های بسیاری داشته؛ اما اوج درخشش سیاسی او چنان که ارسلان خلعتبری نیز اشاره کرده است، بعد از رفتن رضاشاه و از مجلس چهاردهم آغاز می‌شود. با توجه به شور و احساس و عشق و بیزاری‌ای که مصدق در این دوره آفرید، شرح پیشینه او نیز تحت‌تأثیر دیدگاه‌های متفاوت حامیان یا مخالفان قرار دارد. گروهی او را از بدو تولد تافته‌ای جدابافته و دارای خصائل و صفاتی برتر و متفاوت می‌دانند و گروه دیگر او را از آغاز بهره‌مند از تبعیض و بی‌عدالتی قاجاری می‌نامند. مصدق، اشرافی بهره‌مند از بالاترین میزان مزایای موروثی

؛ خانوادگی و گاه آسیب‌دیده از همان روابط هم بوده است. این سابقه خانوادگی گرچه در زندگی او بسیار اثربخش بوده است اما نمی‌توان آن را فحماً یا اثباتاً به حساب او نوشت و تمجید یا تنقید کرد. مصدق از نسل مستوفیان آشتیانی است که از زمان زندیه در اداره امور مالیه کشور تصدی داشته‌اند. این‌گونه اشتغال با وجود اهمیت اداری و سازمانی در حکومت به دلیل غیرسیاسی‌بودن، آنان را از خطرات و کینه‌توزی‌های سیاسی محفوظ نگاه می‌داشت، و می‌توانستند بهره‌مندی از اقتدار اداری خود را ضمن برخورداری از مکتب و ثروت حفظ کنند. اما ثروت، قدرت می‌آفریند، و این قدرت است که در خدمت جاه‌طلبی‌های انسان‌ها قرار می‌گیرد. نسل این مستوفیان عموزاده به اواخر قاجاریه می‌رسد، و حیطة نفوذ و فعالیت بسیاری از آنان با نام‌های آشنا در تاریخ دو قرن اخیر ایران از مدیریت مالیه فراتر می‌رود. میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک چند نوبت صدراعظم دوران ناصرالدین‌شاه بود و فرزند بسیار محترمش میرزا حسن‌خان مستوفی نیز بارها به صدارت اعظم رسید و میرزا هدایت‌الله وزیردفتر پسرعموی پدرش که خود از مستوفیان بود، پیشکاری او را در اداره امور صدارت برعهده داشت. میرزا هدایت‌الله وزیردفتر، پدر دکتر محمد مصدق بود. از دیگر عموزادگان مستوفیان آشتیانی دو برادر، یعنی قوام‌السلطنه و وثوق‌الدوله را باید نام برد که هر دو بارها صدراعظم ایران شدند. این خویشاوندی‌ها گاه موجب رقابت‌های خانوادگی هم می‌شد. قوام در جوانی از منشیان مظفرالدین‌شاه شد و فرمان مشروطیت نیز به خط او است. ملاحظه می‌شود که چگونه دودمان مستوفیان آشتیانی تدریجاً به بالاترین مقامات سیاسی کشور رسیدند. اما به زندگی محمدخان مصدق بپردازم. مادر مصدق، خانم نجم‌السلطنه، نوه عباس‌میرزای قاجار و فرزند فیروزمیرزا نصرت‌الدوله بود. برادر نجم‌السلطنه، عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود که به خانم نجم‌السلطنه بسیار نزدیک بود و زمانی که فرمانفرما به دستور مظفرالدین‌شاه به عتبات